

حادثه تلخ و جانکاه حملات تروریستی دشمن، سایه‌ای از اندوه زندگی و یک مکتب استقامت در بستر تاریخ است و ما غدیر را نه در پرتوی جشن که در شعاع شناخت ولایت می‌فهمیم. درحالی‌که در فضای غبارآلود این روزها، دشمن تلاش می‌کند ما را از هویت دینی و ولایی مان جدا کند. بازخوانی غدیر، بازگشت به ریشه‌های این هویت است.

در حدیثی از امام رضا^(ع) آمده است، *وَهُوَ يَوْمُ الْقَهْنِيَةِ، يَهْنِي نَفْسُكُمْ بَعْضًا. فَإِذَا لَقِيَ الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ يَقُولُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بَوْلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)». این فراز پرمنجز، نکات اصیلی را در خود جای داده است. نخست آنکه نعمت ولایت، نعمت بزرگی است که شکرگزاری می‌طلبد. دوم آنکه تهنیت، فقط تبریک نیست، تجدید عهد با ولایت است و شکر این نعمت یعنی اذعان به اینکه اگر در روزگار غربت دین، ما بر مدار ولایت مانده‌ایم، این هدیه‌ای از جانب خداوند متعال برای ماست.

نکته بعدی این است که این شکرگزاری فقط به زبان نیست؛ در زیارت عاشورا نیز پس از ذکر مصیبت‌های جان‌سوز اهل بیت^(ع)، مؤمن به سجده می‌افتد و می‌گوید: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مُصَافِيهِمْ...».

یعنی حتی در مصیبت‌ورنج نیز این همراهی بااهل بیت^(ع) نعمتی است که شکر دارد. در عبارت «الْمُتَمَسِّكِينَ بَوْلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ» که در معارف ما آمده، دو نکته اساسی نهفته است؛ اول آنکه تمسک، یک وابستگی سطحی یا احساسی نیست. تمسک یعنی هستی انسان با ولایت گره خورده است. اینجا ولایت، صرفا محبت نیست، یک چپش اجتماعی است؛ ساختاری الهی و دقیق که زیبایی‌اش به این است که در آن، امام معصوم^(ع) در رأس قرار دارد و جامعه بر مدار او تنظیم می‌شود. راغب اصفهانی، لغت‌شناس معروف، در کتاب «مفردات» می‌گوید: «ولایت، به معنای کنار هم قرار گرفتن دو چیز به‌گونه‌ای است که هیچ فاصله‌ای میانشان نباشد.» این تعریف، معنای عمیق‌تری از ولایت را به ما می‌دهد؛ پیوندی بی‌فاصله، بی‌واسطه و سرنوشت‌ساز.

پس ولایت تنها محبت قلبی یا احترام به ساحت امام نیست؛ ولایت، درواقع طرحی برای مدیریت جامعه است. چپینی از بالاتا پایین که اگر درست اجراشود، امنیت، عدالت و معنویت را به جامعه تزریق می‌کند.

نکته مهم این است که این نظم اجتماعی، تنها مخصوص زمان حضور امام نیست. در عصر غیبت نیز، ولایت برقرار است. امام زمان^(ع) اگرچه از دیده‌ها غایب‌اند، از صحنه تاریخ و سرنوشت بشر کنار نرفته‌اند.

در این دوران، فقیه جامع‌الشرایط به‌عنوان حجت امام زمان^(ع) مسئول حفظ این نظم اجتماعی است. ولی فقیه، قائم مقام امام معصوم در اجرای احکام و حفظ مصالح امت است. او مسئول اقامه حکم است و مردم در سایه تبعیت از او، انسجام اجتماعی خود را حفظ می‌کنند.

دشمنی استکبار با ما، ریشه در همین نگاه دارد. استکبار با ساختار مدیریت ولایی مخالف است. نه صرفا با ایران یا انقلاب. این ولایت‌مداری است که نقطه اشتراک همه ملت‌های مقاومت در منطقه شده است.

دشمن می‌داند که اگر این پیوند میان مردم و ولی الهی باقی بماند، هیچ قدرتی نمی‌تواند ملت ما را به زانو درآورد. لذا از هر ابزاری برای شکستن این پیوند استفاده می‌کند؛ ترور، تحریم، تحریف.

اگر غدیر را درست فهمیده باشیم، خواهیم دانست که ولایت، نقشه راه ما در تمام اعصار است. غدیر یک روز نیست، یک امتداد است، امتدادی از وحی تا ظهور، از نبی^(ص) تا ولایت فقیه و طلوع خورشید حضرت بقیه‌ا...^(ع)...

بزرگفته از خطبه‌های نمازجمعه مشهد
تتظلم: حجت‌الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

یادداشت

جایگاه حسن خلق

در ایمان مؤمنان در بیان امام کاظم^(ع)

رابطه «ایمان» و «حسن خلق» چیست؟ پاسخ این پرسش را باید از سخنان کامل‌ترین مؤمنان جهان، اهل بیت^(ع)، دریافت کرد. امام کاظم^(ع) در زمینه پیوند ایمان و حسن خلق به هشام بن حکم فرموده‌اند: اکمل المؤمنین ایمانا احسنهم خلقاً. کامل‌ترین مؤمنان در ایمان، خوش‌خلق‌ترین آنان است (الکافی، ج ۲، ص ۹۹* تحف العقول عن آل الرسول^(ع) ص ۳۹۵* امام شیخ طوسی، ص ۱۴۰ و ۲۹۲* الوافی، ج ۴، ص ۴۱۹* بحارالانوار، ج یک و ج ۷۸، ص ۳۲). امام هفتم^(ع) در این حدیث، ارتباط بین ایمان و حسن خلق را روشن کرده‌اند. مدارج ایمان با مدارج حسن خلق، هماهنگ است. در این گفتار اخلاقی کاظمی، نکته‌های مهمی آموزش داده شده است. نه‌تنها فضیلت و ارزش اخلاق نیک و زیبا از این حدیث استنباط می‌شود، بلکه این حدیث، حسن خلق را در جایگاه عالی و برتر و نمایانگر میزان و درجه ایمان انسان‌ها نشانده است.

در این روایت نه‌تنها کمال ایمان مؤمنان بلکه اکمل مؤمنان در ایمان معرفی شده است. واژه اکمل، صیغه افعل تفظیل است که از فعل ثلاثی مجرد کمل مشتق شده است. دلیل به‌کار رفتن اسم تفضیل در زبان عربی این است که نشان داده شود دو چیز یا دو انسان در یک حقیقت مشترک هستند اما یکی از آن‌ها در داشتن این صفت بر دیگری برتری دارد. اکمل به معنای کامل‌تر و تمام‌تر و رساتر است. ایمان اهل ایمان برابر و یکسان نیست، وابسته به کمیت و کیفیت حسن خلق آنان است.

نکته بسیار مهم در این حدیث، این است که شاخص ارزیابی ایمان مؤمنان و اندازه‌گیری شدت و ضعف ایمان و کمی و زیادی ایمان، «حسن خلق» است. این حقیقت، مفهوم و تعریف دین‌داری را از جنبه‌های اعتقادی و عبادات و مناسک به سوی مسائل اخلاقی متحول می‌سازد. حسن خلق، آراستگی به فضیلت‌های اخلاقی و پالایش از رذیلت‌های اخلاقی است. حسن خلق به معنای خوش خلقی و خوش‌گفتاری و خوش‌رفتاری و گشاده‌رویی و نرمش و ملامت و پاکیزه و زیبا سخن گفتن است.

امام موسی بن جعفر^(ع) در این راهبرد اخلاقی، عمل را بخشی از ایمان دانسته‌اند. ایمان براساس عمل و پیوند با حسن خلق، زیادتر کم می‌شود. آدمی که از حسن خلق بی‌بهره است، از ایمان بهره‌ای نبرده است. آنان که حسن خلق دارند، اهل ایمان هستند؛ البته این ایمان درجات و مراتبی دارد و این درجات برپایه میزان رعایت حسن خلق در عمل استوار است. در این حدیث، واژه «حسن» نیز به‌کار رفته است که اسم تفضیل است. چه کسی ایمان کاملی دارد؟ ایمان کامل‌تر برای کیست؟ این مسئله با حسن خلق پیوند اساسی دارد. «احسنهم خلقاً» یعنی خوش‌خلق‌ترین مؤمنان است و کامل‌ترین ایمان را دارد، بنابراین دین‌داری در حسن خلق است. ایمان و حسن خلق پیوندی ناگسستنی دارند. احسن به معنای بهترین و نیکوترین و خوب‌ترین و بیشترین و نزدیک‌ترین است. احسن در حسن خلق اکمل در ایمان خواهد بود. شخصی که حسن خلق بیشتری دارد و اخلاش بهتر است، ایمانش بیشتر و استوارتر است.

درمیان ارزش‌ها و دستورها و بایدهای اسلامی، حسن خلق جایگاه ممتازی دارد و در بین آن‌ها مهم‌تر از حسن خلق وجود ندارد. این حدیث از قول پیامبر خدا^(ص)، امام باقر^(ع)، امام صادق^(ع) و امام رضا^(ع) نیز نقل شده است.

خطبه نماز جمعه

۲۳شبه

۲۲ خرداد ۱۴۰۲
۲۲ خرداد ۱۴۰۲
شماره ۶۵۱

۱۴



مهرگان

از حضرت موسی بن جعفر^(ع) بیاموزیم

همکاری با ظالم هرگز

آمنه مستقیمی اینکه قرآن نسخه حیات طیبه است و اینکه از سیره و حیات ائمه^(ع) به نسخه عملی قرآن تعبیر می‌شود، یعنی اگر بخواهیم به آن سبک از مسیر ایمن، آسان و مطمئن دست یابیم و به قله کمال و سعادت که اسلام به‌عنوان مقصد برای ما پیش‌بینی کرده است، برسیم، شاهراهش، تمسک و توسل به سبک زندگی اهل بیت^(ع) است؛ همچون سیره نورانی امام‌کاظم^(ع) که در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی و سیاسی، راه را نشانمان می‌دهد. به‌مناسبت فرارسیدن سالروز ولادت آن حضرت و در بررسی برخی فرازهای این سیره نورانی، با حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسین حسینی قمی، استاد حوزه و کارشناس مذهبی، گفت‌وگو کرده‌ایم.

حواسمان به خویشاوندان و نزدیکان باشد

حضرت موسی بن جعفر^(ع) به ما می‌آموزند که عبادت در جای خود، علم و دانش و مکتب در جای خود و سخاوت و دستگیری به‌ویژه از خویشان و صله‌رحم در جای خود؛ اگر ما حواسمان به خویشاوندانمان باشد، بسیاری از مشکلات بدون هزینه از جامعه برطرف می‌شود. امام زمان^(ع) در پاسخ نامه یکی از شیعیان نوشتند: «اگر خویشاوندانت نیازمند هستند، صدقه به بیگانه فایده ندارد». این امر امام^(ع) امروز هم صدق می‌کند؛ چون اگر توجه و عمل می‌کردیم و براساس آموزه‌های دینی به پدر و مادر و فرزندان و خویشاوندان خود می‌رسیدیم، شاهد این همه مشکل و گرفتاری در جامعه نبودیم.

آویزگی مهم حضرت موسی بن جعفر^(ع)

مرحوم شیخ مفید در کتاب شریف «ارشاد» وقتی به سرگذشت ودوران حیات و امامت حضرت موسی بن جعفر^(ع) می‌رسد، سه ویژگی برای حضرت برمی‌شمارد و ایشان را عابدترین مردم، فقیه‌ترین مردم و سخی‌ترین مردم معرفی می‌کند. در وصف جلوه‌های عبودیت در سیره ایشان آمده است که نافله شب را می‌خواندند و بعد نافله صبح و نماز صبح و سپس تعقیبات نماز را تا طلوع خورشید به جای می‌آوردند و به سجده می‌افتادند و سجده‌ای طولانی به جای می‌آوردند.

برای عبادت وقت بگذاریم

شاید در نگاه ما این اندازه از عبادت ممکن نباشد، درحالی‌که باید توجه داشت این ما هستیم که نظام زندگی را مختل کرده‌ایم و سبک زندگی مان آن‌طور که باید، رنگ عبودیت و معنویت ندارد، برای مثال درحالی‌که قرآن تأکید می‌کند خداوند، شب را برای آرامش ما قرار داده است، اغلب به‌ویژه از نسل جوان تا نیمه‌های شب مشغول فضای مجازی و مهمانی و... هستیم و همین کارها دیگر توانی برای نماز شب و نماز صبح در ما باقی نمی‌گذارد. درحالی‌که ائمه^(ع) باوجود همه مشغله‌ها و مشکلات، از عبادت دست نمی‌کشیدند و بهترین و کیفی‌ترین ساعات را به عبادت اختصاص می‌دادند.

مدرس دین‌شناسی

علاوه بر عبودیت فراوان، امام کاظم^(ع) فقیه‌ترین مردم زمان خود نیز بودند. این به ما یاد می‌دهد که فصلی از زندگی را به دین‌شناسی و معرفت دین اختصاص دهیم؛ برای مثال روزانه و حتی در مسیر رفت‌وآمد و ترافیک، سخنان بزرگان و علما را بشنویم و در دین تأمل کنیم تا دین‌شناسی ما ارتقا بیابد. مرحوم کلینی در «کافی» آورده است شخصی به نام حسن بن عبدا... که به زهد و عبودیت شهرت داشت و حتی در امر به معروف و نهی از منکر به قدری مقید بود که تشکیلات خلافت هم از او حساب می‌برد، در جلسه‌ای با موسی بن جعفر^(ع) مواجه شد و حضرت به وی فرمودند: «من این شرایط را که توداری، بسیار دوست می‌دارم، فقط یک ایراد بزرگ داری... آدم بی‌معرفتی هستی.» وی عرض کرد: یعنی چه؟ امام^(ع) فرمودند: «دین‌شناس باش!» وی از چگونگی دین‌شناسی پرسید و امام فرمودند: «در مدینه، مکاتب درسی فراوانی وجود دارد (منظور مکاتب درسی که در مقابل اهل بیت^(ع) شکل گرفته بود). به سمت آن‌ها برو و هر چه را آموختی، به من عرضه کن». ایشان می‌خواستند وی دچار عطش شود و بداند که باید آب حیات را در کجا جست‌وجو کند. وی به سمت آن مکاتب رفت و وقتی آموخته هایش را عرضه کرد، حضرت موسی بن جعفر^(ع) همه را با ادله منطقی، باطل کردند و در مقابل به تبیین غدیر و مسئله امامت پرداختند.

حجت‌الاسلام والمسلمین

حسینی قمی؛
حضرت موسی بن جعفر^(ع)
بسیار تأکید می‌کردند که
کسی با ظالم و تشکیلات ظلم
همراهی نکند

مراقب دام ظالمان باشیم

همراهی نکردن با ظالم و ظالم، از آموزه‌های مهم و نورانی حضرت امام‌کاظم^(ع) است؛ اینکه مراقب باشیم و بدانیم ظالم فقط هارون الرشید نیست، بلکه امروز هم ظلم و همراهی با ظالم، جلوه‌های مختلف و پنهان دارد؛ مثل جنایات این روزهای اسرائیل غاصب، لذا باید مراقب باشیم در دام این همراهی گرفتار نشویم. مقابله با ظلم به قدری مهم است که خدای متعال هیچ جایی از قرآن و در هیچ اقدامی الحمد... نمی‌گوید؛ مگر یک جا و آن هم زمانی که ریشه ظلم را برمی‌کند و می‌فرماید: «فَقُطِعَ دَائِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (انعام، ۴۵).

پیامبر اکرم^(ص) فرمود، عبادت هفتاد بخش است و بهترین بخش آن طلب حلال... (ثواب الاعمال و عقابها، ص ۳۵۸، ج یک)

روشنا

قَالَ رَسُولُ...^(ص)؛

الْبَيَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءًا وَأَفْضَلُهَا جُزْءُ أَطْلَبُ الْحَلَالِ.

بر صراط صدق

عوض شده است. آیا ما هم آماده‌ایم که قدم صدق برداریم؟ نه فقط در کلمات، بلکه در انتخاب‌ها، در وفاداری مان، در ماندن کنار حق، حتی اگر تنها بمانیم، قدم صدق، یعنی همدلی با راستی و ایستادگی کنار حقیقت. یعنی آن قدر به راه حق وفادار بمانی که گام به‌گام وجودت بر صراط مستقیم معنا شود. خدایا، ما را ثابت‌قدم کن؛ نه فقط تا پایان این چهل روز، بلکه تا پایان این راه. در رکاب حسین^(ع) در صف اصحابش، در مسیر صداقت. تاوقتی که پرده‌هاکنار می‌رود و صدق قدم‌ها را می‌شمارند، ما نیز جزو آنان باشیم.

برداشت، زهیر برداشت. چون سیاه پوست برداشت. همان گامی است که دل را از دنیا کند و روی وجه حضرت حسین^(ع) آرام گرفت. همان تصمیمی است که شاید هر شب در دل ما پنهان می‌شود، ولی فردا فراموشش می‌کنیم، اما عاشورا فراموش نمی‌کند. اگر تمام این چهل روز باشک و آه همراه بود، این لحظه وقت تصمیم است. باید ببینیم بعد از این اربعین دل، چه چیزی در ما

است، یک درجه است. یعنی بودن در صف کسانی که جز راستی، چیزی در دل ندارند. با این فراز، زائر خودش را در صف اصحاب امام حسین^(ع) می‌بیند. کسانی که جانشان را بی چشم‌داشت فدای او کردند؛ بَدَلُوا مُجْهَدَهُمْ دُونَ الْخُسَيْنِ؛ نه از روی تعصب، نه از روی احساسات زودگذر، بلکه از روی ایمان، آگاهی و صدق. قدم صدق، همان گامی است که حبیب

مسعود فرشته‌پورا گاهی انسان در میان تمام دعاها، تنها یک خواهش دارد؛ ثبات قدم، آن هم نه هر ثباتی، بلکه ثَبِثْ لِي قَدَمَ صَدِقٍ. می‌فرماید: «وَتَتَجَاوَى جُنُوبَهُمْ عَنْ الْقَصَاحِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ» عده‌ای پهلوهایشان را از جا می‌کنند و از آنچه به آن‌ها رزق داده شده است، انفاق می‌کنند، سیره امام کاظم^(ع) تجلی عمل به انفاق بود. ایشان به خویشاوندان خود رسیدگی می‌کردند، برای فقرا غذا می‌بردند و از محرومان و گرفتاران، دستگیری می‌کردند.

میقات روز ۲۰